

مہمبجیان و سقوط روم

ادوارد گیرن

ترجمہ مرضیہ سمرانی

سرشناسه: گیبون، ادوارد، ۱۷۳۷-۱۷۹۴م. Gibbon, Edward

عنوان و نام پدیدآور: مسیحیان و سقوط روم/ادوارد گیبون؛ مترجم مرضیه خسروی.

مشخصات نشر: تهران: روزگار نو، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.

فروست: ایده‌های بزرگ.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۶۷-۵۴۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه قسمتی از کتاب «History of the decline and fall of the Roman Empire» است.

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً تحت عنوان «انحطاط و سقوط امپراتوری روم» با ترجمه ابوالقاسم طاهری

توسط انتشارات امیر کبیر، کتابهای جیبی: فرانکلین در سال ۱۳۴۷ منتشر شده است.

عنوان دیگر: انحطاط و سقوط امپراتوری روم.

موضوع: روم -- تاریخ -- امپراتوری، ۳۰ ق.م. - ۴۷۶ م.

موضوع: روم، امپراتوری -- تاریخ

شناسه افزوده: سروی، رصید، ۱۳۶۲، مترجم

رده بندی کنگره: ۹۲-۱۳۸/د DG۳۱۱/د

رده بندی دیویی: ۷۰۶/۷

شماره کتابشناسی ملی: ۰۰۳۶۳۸

ایده‌های بزرگ

کتابهایی که جهان و شیوهی
نگاه ما را تغییر دادند

انتشارات: روزگار نو

مسیحیان و سقوط روم

نویسنده: ادوارد گیبون؛ ترجمه مرضیه خسروی.

ویراستار: کاوه عزیزی

طراح جلد: پریسا عزیزی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۶۷-۵۴۰۰

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شارگان: ۱۰۰۰

نشانی دفتر: تهران-خ انقلاب-خ دانشگاه-جنب خیابان شهدای ژاندارمری

مرکز خرید دانشگاه- طبقه زیر همکف- نشر روزگار نو

Nashreroozegar.com

nashreroozegareno@gmail.com

تلفن تماس: ۰۹۱۲۶۸۵۵۹۷۶ - ۶۶۹۵۸۱۴۰

مقدمه:

این اثر بخشی از کتابی تاریخی نوشته ادوارد گیبون تاریخ‌نگار انگلیسی است که به امپراتوری روم از اواخر سده نخست میلادی تا سقوط امپراتوری روم شرقی می‌پردازد.

این کتاب، امپراتوری روم، اروپا و کلیسای کاتولیک از سال ۹۸ تا ۱۵۹۰ میلادی را بررسی می‌دهد و درباره انحطاط امپراطوری روم در شرق و غرب بحث می‌کند.

به سبب عینیت اثر و استفاده بسیار از منابع اولیه، روش‌شناسی به کار گرفته شده در این اثر در آن زمان مدلی برای تاریخ‌دانان بعدی شد و ادوارد گیبون به «نخستین تاریخ‌نگار مدرن روم باستان» معروف شد.

مسیحیان و سقوط روم، نمونه کمال هنر نو سنجی و تاریخ‌نگاری است و با آن که بیش از دوست سال از تألیف آن می‌گذشت هنوز از منابع معتبر تاریخی شمرده می‌شود و از ارزش آن کاسته نشده است. این کتاب آینه تمام‌نمای مهم‌ترین وقایع اروپا و شرق نزدیک از قرن چهارم میلادی تا سال ۱۴۵۳ و سقوط قسطنطنیه است و نویسنده با بیانی شیوا، ادیبانه و طنز آمیز از سرگذشت‌ها، جنگ‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌ها خواننده را مجذوب و شیفته خود می‌سازد.

گسترش دین مسیحیت و امپال، منش، تعداد و شرایط مسیحیان اولیه

تحقیقی منصفانه و عقلانی درباره استقرار و گسترش مسیحیت می‌تواند در سه مرحله از تاریخ امپراطوری روم را آشکار نماید. در حالی که آن پیکره به نیم آسیا تحت هجوم [خارجی] بود و یا به آرامی از درون رو به زوال می‌رفت، آمی ناپ و متواضع به آرامی به درون اذهان مردم رسوخ نموده در سکوت و ابهام رشد کرده و به شکلی متفاوت قدرتی نوین را عرینه نمود و در نهایت نیز بیرق فتح را بر ویرانه‌های کاپیتول^۱ برافراشت. تأثیر مسیحیت تنها به مرزها و دوره امپراطوری روم محدود نگردید. بعد از بحولی در سیزده یا چهارده قرن، این مذهب هنوز هم آئین عمده مردم اروپاست و در زمینه‌های هنر، آموزش، جنگ و خدمات سهم بزرگی را بر خود اختصاص داده است. به مدد مجاهدت و حمیت اروپائیان این مذهب رواج یافته و به مناطق عظیمی از آسیا و آفریقا گسترده شده است؛ و بواسطه مساعیات ایشان از کانادا تا شیلی، یعنی جهانی که برای گذشتگان ناشناخته بود، توسعه یافته است.

اما این تحقیق هر قدر هم که مثمر ثمر یا لذت بخش باشد، با دو مشکل خاص مواجه است. منابع اندک و مشکوک تاریخ کلیسایی به

سختی ما را قادر می‌سازد ابرهای تیره‌ای که بر قرن ابتدایی کلیسا سایه افکنده‌اند را به کناری بزنیم. قانون کبیر حفظ بی‌طرفی نیز ما را متعهد می‌سازد که عیوب کار آموزگاران و مومنین امی انجیل را فاش نماییم؛ و شاید از منظر ناظری غیرمتخصص، خطاهای ایشان باعث تشکیک در ایمانی شود که بدان معترف بودند؛ اما رسوائی مسیحی معتقد و پیروزی مبالغه آمیز کافر، به محض این که هردوی آن‌ها دوباره به دست او و در محض او حاضر گردند متوقف خواهد شد و اسرار الهی آشکار خواهند گردید. احتمالاً دانشمند الهیات از وظیفه تشریح دین به عنوان امری که از آسمان نازل گردیده و آراستن آن در شکل ناب خویش، لذت می‌برد؛ وظیفه دشوار تر بر دوش مورخ قرار دارد. او می‌بایست از ترکیب اجتناب ناپذیر - اما و حس که مدت‌های مدیدی است بر این کره خاکی رحل اقامت فکند و در میان جریان مستمر ضعف و انحطاط موجوداتش ساکن شده است، پرده بردارد.

حس کنجکاوی ما به سبب عطف به این مسئله می‌شود که به چه طریقی ایمان مسیحی توانست به این فتح چشمگیری بر ادیان پیشین دست یابد. پاسخ بدیهی و البته متقاعد کننده‌ای که می‌توان به این پرسش داد این است که این امر ناشی از قدرت اقلیت کنگدگی ذاتی عقیده و اراده و مشیت بانی کبیر آن است. اما از آن جا که مشیت و منطق به ندرت با استقبال جهانیان روبرو می‌شود و همان طور که مشیت الهی اغلب خود را برای استفاده از عواطف قلبی انسان نازل می‌نماید و محیط عام بشر برای عملی کردن اهدافش به کار می‌رود؛ بنابراین، همچنان این اجازه را داشته باشیم، در کمال انقیاد و بندگی، بدانیم که در واقع نه علل اولیه بلکه علل ثانویه‌ای که باعث گسترش سریع کلیسای مسیحیت شده‌اند، کدام بوده است. با تتبع در این خصوص در خواهیم یافت که این امر بیشتر از سوی پنج عامل زیر یاری و مساعدت گردیده است:

|| ادوارد گیبون || ۷

۱. درست است که اشتیاق استوار و به بیان صریح تر حمیت متعصبانه مسیحیان از مذهب یهودیت منیعت گردیده اما این تعصب از روح محدود و غیراجتماعی حاکم بر این دین که در عوض دعوت سایرین، باعث تحذیر ایشان در پذیرش قوانین موسی می گردید، پالوده شده بود.
۲. نظریه حیات متأخر، بواسطه رویدادهایی که می توانست وزن و تأثیر بیشتری به این حقیقت مهم بدهد، اصلاح گردید. ۳. قدرت معجزه آسایی که به کلیسای اولیه نسبت داده شد. ۴. اخلاقیات سخت و ناب مسیحیان.
۵. اجتماع وحد و منضبط مسیحیان، که به تدریج مستقل شده و جایگاه خود را در قلب امپراطوری روم ارتقاء داد.